

رمز گشایی از تمدن های گمشده زیر

دربا برای مقابله با تغییرات اقلیمی

دانشمندان با استفاده از فته های پیشرفته در حال کاوش تمدن های گمشده زیر آب های دریای شمال و بالتیک هستند؛ این تلاش ها برای کشف رازهای باستانی در حالی انجام می شود که توسعه مزراع بادی دریایی دسترسی به این مناطق تاریخی را تهدید می کند. به گزارش اقتصادسرآمد، محققان در حال انجام پژوهش های فشرده ای روی تمدن های غرق شده در زیر آب های دریای شمال و دریای بالتیک هستند؛ تمدن هایی که هزاران سال پیش در دوره پس از آخرین عصر یخبندان در دشت های گسترده ای زندگی می کردند و اکنون زیر موج های این دریاها پنهان شده اند. این تلاش ها با هدف کشف اسرار این جوامع باستانی پیش می رود و در عین حال با چالشی جدی روبه روست؛ توسعه گسترده مزراع بادی دریایی که دسترسی به این مکان های تاریخی را به طور دائم محدود خواهد کرد.

بنابر گزارش ایمناء، حدود ۸۰۰۰ تا ۶۰۰۰ سال پیش از میلاد، منطقه ای که امروز به نام های دریای شمال و دریای بالتیک شناخته می شود، زیر آب نبود و مجموعه ای از دشت های حاصل خیز و سکونتگاه های انسانی به شمار می رفت. با پایان عصر یخبندان و ذوب یخبال های طبیعی، سطح آب های جهان به طور چشمگیری افزایش پیدا کرد و این زمین ها زیر آب فرو رفتند. تمدن هایی که در ایسن مناطق زندگی می کردند، به تدریج ناپدید شدند و تنها آثار ناچیزی از آنها باقی مانده است. یکی از مهم ترین این مناطق، دوجرلند (Doggerland) است که از حدود ۸۲۰۰ سال پیش، مرکز تمدن های پیشاتاریخی بوده است و اکنون کانون توجه دانشمندان برای کشف رازهای این جوامع به شمار می رود. بررسی نحوه تطابق این جوامع با تغییرات محیطی بیش از یک کنجکاری تاریخی است و ارتباط نزدیکی با چالش های جهانی امروز همچون تغییرات اقلیمی و افزایش سطح دریاهادر د، بخش عمده ای از موفقی ت این پژوهش ها وابسته به فناوری های مدرن است. پروژه سانبوردیکا (SUBNORDICA) با بهره گیری از فناوری های پیشرفته ای همچون نقشه برداری های لرزه ای و آکوستیکی، حفاری های تخصصی و شبیه سازی های مدرن است. در حال بررسی بستر دریا و شناسایی بقایای سکونتگاه های باستانی است. دانشگاه برادفورد، یکی از مؤسسات پیشرو در این پروژه، از داده های حاصل از مناط پس سنجی برای کشف مکان های احتمالی تمدن های غرق شده بهره می برد. همچنین هوش مصنوعی در پردازش داده های وسیع این تحقیقات نقش مهمی دارد و نه تنها به کشف آثار باستانی کمک می کند، بلکه شناخت شرایط محیطی گذشته را ارتقا می بخشد. این اطلاعات می تواند در طراحی راهکار های توسعه پایدار آینده نیز مؤثر باشد.

درس های تاریخی گذشته برای مقابله با تغییرات اقلیمی امروز

با وجود اهمیت حفاظت از این میراث تاریخی، توسعه مزراع بادی دریای در دریای شمال به عنوان اقدامی مهم برای مقابله با تغییرات اقلیمی، چالشی بزرگ پیش رو قرار داده است. این منطقه که زمانی خشکی سبز زنده و قابل سکونت بود، اکنون به کانونی صنعتی برای تولید انرژی های تجدیدپذیر تبدیل شده است و دسترسی به مکان های باستانی را محدود می کند. این امر موجب ششده تیم های پژوهشی در رقابتی فشرده با زمان، تلاش کنند تا پیش از آنکه این فضاهای تاریخی به طور دائم تحت تأثیر توسعه های مدرن از بین بروند، مستندسازی و تحلیل دقیقی انجام دهند. این تعارض میان حفظ میراث تاریخی و پیشبرد انرژی های پاک، اهمیت ویژه ای در تصمیم گیری های زیست محیطی و فرهنگی آینده دارد. هدف از بررسی مناظر غرق شده تنها کشف آثار تاریخی نیست، بلکه درک نحوه تعامل و سازگاری جوامع باستانی با محیط زیست طبیعی شان نیز در دستور کار قرار دارد. مطالعات غواصی در مناطقی همچون خلیج آر هوس در دانمارک نشان داده است که سکونتگاه های ساحلی به طور گسترده ای در این مناطق پراکنده بوده و انسان های پیشاتاریخی به شکل هوشمندانه ای از منابع دریایی بهره برداری می کردند.



گروه راهبردی - مرتضی فاخری - از

نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، جمهوری اسلامی ایران با چالش های متعددی در حوزه سیاست خارجی، امنیت منطقه ای و نظم بین المللی مواجه شده است. یکی از مهم ترین مؤلفه های این مواجهه، موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در خلیج فارس و به ویژه کنترل بر تنگه هرمز بود؛ گذرگاهی حیاتی که به عنوان شریان اصلی صادرات نفت کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس شناخته شده و روزانه میلیون ها بشکه نفت از طریق آن به بازارهای جهانی منتقل می شود. تنگه هرمز نه تنها یک مسیر آبی استراتژیک، بلکه یک ابزار راهبردی در سیاست خارجی ایران محسوب می شود که در چهاردهه گذشته بارها به عنوان اهرم فشار در برابر تهدیدات خارجی، تحریم های اقتصادی و تنش های نظامی مورد استفاده قرار گرفته است.

به گزارش روزنامه اقتصاد سرآمد، مرتضی فاخری، پژوهشگر ارشد علوم راهبردی در مطلبی برای این روزنامه به بررسی سیاست های جمهوری اسلامی ایران جهت اجرای سیاست های بازدارنده در منطقه استراتژیک تنگه هرمز به عنوان یکی از کلیدی ترین مناطق مرتبط با انرژی جهان پرداخته است. این مطلب را در ادامه می خوانید: در دهه نخست پس از انقلاب، با آغاز جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۵۹، تنگه هرمز به طور مستقیم در معرض تهدید قرار گرفت. جنگ نفتکش ها، مین گذاری در آب راه ها و درگیری های نیروی دریایی ایران با شناورهای بیگانه، نخستین نشانه های استفاده از این گذرگاه به عنوان ابزار بازدارندگی بود. در آن زمان، هرچند ایران به طور رسمی تهدید به بستن تنگه نکرده، اما اقدامات عملی در چارچوب دفاع از خود، پیام روشنی به قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای ارسال کرد: «امنیت انرژی جهانی بدون در نظر گرفتن منافع ایران، تضمین نشدنی نیست. این پیام، در بستر جنگی که به طور مستقیم صادرات نفت ایران را تهدید می کرد، معنا و وزن بیشتری یافت و موجب شد تا تنگه هرمز به عنوان یک نقطه حساس در معادلات امنیتی منطقه تثبیت شود.

وضعیت تنگه هرمز در دوران جنگ و بازسازی

با پایان جنگ و آغاز دوره بازسازی، تهدید تنگه هرمز به طور موقت از اولویت های راهبردی ایران خارج شد، اما با آغاز دهه ۱۳۸۰ و تشدید فشارهای بین المللی بر سر برنامه هسته ای ایران، این تهدید دوباره به صدر گفتمان سیاسی بازگشت. در سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲، همزمان با تحریم های گسترده نفتی و بانکی، مقامات نظامی و سیاسی ایران بارها اعلام کردند که در صورت جلوگیری از صادرات نفت ایران، سایر کشورها نیز قادر به صادرات نخواهند بود. این تهدیدات که گاه با آزمایش های نظامی در منطقه همراه می شد، واکنش های گسترده ای در سطح جهانی برانگیخت و موجب افزایش قیمت نفت و نگرانی از اختلال در زنجیره تأمین انرژی شد. در این دوره، تهدید به بستن تنگه هرمز نه تنها جنبه نظامی داشت، بلکه به عنوان ابزار دیپلماتیک نیز عمل می کرد. ایران با استفاده از این تهدید، تلاش کرد تا هزینه های تحریم را برای طرف های غربی افزایش دهد و آسان را به بازنگری در سیاست های خود وادار کند. در دهه اخیر، با افزایش حضور نظامی ایالات متحده و متحدانش در منطقه و همچنین

گسترش همکاری های امنیتی میان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، ایران به طور فزاینده ای بر توانمندی های نامتقارن خود در حوزه دریایی تأکید کرده است. استفاده از قایق های تندرو، مین های دریایی، پهپادها و موشک های ساحل به دریا، بخشی از راهبرد بازدارندگی ایران در برابر تهدیدات خارجی بوده اند. در این چارچوب، تهدید به بستن تنگه هرمز نه تنها به عنوان واکنش به تحریم ها، بلکه به عنوان پاسخ به هرگونه تجاوز یا اقدام خصمانه نیز مطرح شده است. این تهدیدات، هرچند هرگز به اقدام عملی منجر نشده اند، اما به واسطه موقعیت حساس تنگه هرمز، همواره جدی گرفته شده و در محاسبات راهبردی قدرت های بزرگ لحاظ شده اند.

چشم انداز تنگه هرمز در حقوق بین الملل

از منظر حقوق بین الملل، تنگه هرمز یک گذرگاه بین المللی محسوب می شود که طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، کشتی های تجاری حق عبور بی ضرر دارند. بااین حال، ایران تاکنون این کنوانسیون را به طور رسمی تصویب نکرده و همواره تأکید کرده است که عبور از آب های سرزمینی اش باید با رعایت اصول حاکمیت ملی صورت گیرد. این موضع حقوقی، زمینه ساز مناقشات فراوانی با ایالات متحده و متحدانش بوده و به ایران امکان داده تا در مواقع خاص، تهدید به محدودسازی عبور و مرور را مطرح کند. در کنار جنبه های حقوقی و نظامی، تهدید به بستن تنگه هرمز دارای بُعد رسانه ای و روانی نیز هست. هر بار که این تهدید مطرح می شود، بازارهای جهانی دچار نوسان می شوند، تحلیل گران به بررسی سناریو های احتمالی می پردازند و افکار عمومی در کشورهای مصرف کننده انرژی، نسبت به امنیت تأمین دچار نگرانی می شود. این اثرگذاری روانی، بخشی از قدرت نرم ایران در حوزه ژئوپلیتیک انرژی محسوب می شود؛ قدرتی که بدون نیاز به اقدام عملی، می تواند معادلات را تغییر دهد.

در سال های اخیر، با افزایش تنش ها میان ایران و ایالات متحده، به ویژه پس از خروج آمریکا از توافق هسته ای در سال ۲۰۱۸، تهدید به بستن تنگه هرمز بار دیگر به عنوان ابزار فشار مطرح شد. حملات به نفتکش ها در سال ۲۰۱۹، توفیق کشتی های خارجی و آزمایش های نظامی در آب های جنوبی، همگی در راستای نمایش توانمندی ایران در کنترل این گذرگاه حیاتی صورت گرفتند. در این دوره، ایران تلاش کرد تا نشان دهد که در صورت تداوم فشارهای اقتصادی و نظامی، قادر است هزینه های سنگینی به اقتصاد جهانی تحمیل کند. این راهبرد، هرچند با واکنش های شدید غرب مواجه شد، اما توانست توجه جهانی را به نقش ایران در امنیت انرژی جلب کند و موجب شد تا بسیاری از کشورها در سیاست های خود نسبت به ایران، احتیاط بیشتری به خرج دهند.

در عین حال، ایران همواره تأکید کرده است که تنگه هرمز پایدارم و باز باقی بماند، مگر آنکه منافع حیاتی اش به خطر افتد. این موضع دوگانه از یک سو، تهدید به بستن و از سوی دیگر، تأکید بر امنیت منطقه، نشان دهنده پیچیدگی راهبرد ایران در استفاده از این اهرم فشار است. ایران می داند که بستن تنگه، نه تنها موجب اختلال در صادرات نفت کشورهای عربی، بلکه به اقتصاد خود نیز آسیب می زند. از این رو، تهدید به بستن تنگه بیشتر جنبه بازدارندگی دارد تا عملیاتی. این تهدید، در واقع بخشی از راهبرد «هزینه سازی»

یک پژوهشگر علوم راهبردی

در مطلبی برای روزنامه سرآمد بررسی کرد؛

تنگه هرمز در آستانه تهدید بزرگ

سر نوشت مبهم ۴۰ سال بازدارندگی ایران در قلب انرژی جهان

ایران در برابر فشارهای خارجی است؛ راهبردی که تلاش می کند با افزایش هزینه های تحریم و تهدید، طرف مقابل را به مذاکره و مصالحه وادار کند.

نقش نیروهای نظامی ایران در تنگه هرمز

نقش نیروهای نظامی ایران، به ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در اجرای این راهبرد نیز بسیار برجسته بوده است. سپاه با توسعه توانمندی های دریایی، از جمله قایق های تندرو، موشک های ضد کشتی و سامانه های راداری و پهپادی، توانسته است قدرت مانورش در تنگه هرمز را افزایش دهد. رزمایش های سالانه، نمایش های قدرت و مانورهای تاکتیکی در آب های جنوبی، همگی در راستای تقویت بازدارندگی و ارسال پیام به دشمنان بالقوه صورت گرفته اند. این اقدامات، در کنار تهدیدات لفظی، موجب شده اند تا تنگه هرمز همواره در صدر نگرانی های امنیتی منطقه باقی بماند. در سطح دیپلماتیک، ایران تلاش کرده است تا تهدید تنگه هرمز را با گفتمان «امنیت جمعی» تلقیف کند. مقامات ایرانی بارها اعلام کرده اند که امنیت خلیج فارس باید توسط کشورهای منطقه تأمین شود و حضور نیروهای خارجی، به ویژه آمریکا، موجب بی ثباتی و تنش می شود. در این چارچوب، تهدید به بستن تنگه هرمز، نه تنها واکنشی به تحریم ها، بلکه اعتراضی به حضور نظامی بیگانگان در منطقه نیز محسوب می شود. ایران با طرح ابتکاراتی مانند «اتلاف امید» تلاش کرده تا نشان دهد که خواهان امنیت پایدار در منطقه است، اما این امنیت را نه از طریق مداخله خارجی، بلکه از مسیر همکاری منطقه ای و احترام متقابل می داند. در این چارچوب، تهدید به بستن تنگه هرمز، در کنار پیام های دیپلماتیک، به عنوان بخشی از راهبرد چندلایه ایران برای مدیریت بحران ها و حفظ منافع ملی عمل می کند.

در سطح داخلی نیز تهدید تنگه هرمز همواره با نوعی اجماع سیاسی همراه بوده است. فارغ از جناح بندی های سیاسی، بسیاری از نخبگان ایرانی این تهدید را به عنوان ابزار مشروع دفاع از منافع کشور تلقی کرده اند. این اجماع، به ایران امکان داده تا در مواقع بحرانی، موضعی واحد و منسجم اتخاذ کند و پیام روشنی به طرف های خارجی ارسال نماید. در عین حال، برخی تحلیل گران داخلی نیز نسبت به پیامدهای احتمالی اجرای این تهدید هشدار داده اند؛ تأکید کرده اند که بستن تنگه هرمز می تواند موجب واکنش های شدید نظامی و اقتصادی شود که در نهایت به زیان ایران تمام خواهد شد.

اهمیت تنگه هرمز از منظر اقتصادی

از منظر اقتصادی، تنگه هرمز نه تنها محل عبور نفتکش ها، بلکه مسیر صادرات فراآورده های پتروشیمی، گاز طبیعی مایع و کالاهای تجاری نیز هست. هرگونه اختلال در این مسیر، می تواند زنجیره تأمین منطقه ای و جهانی را دچار بحران کند. ایران به عنوان یکی از تولیدکنندگان بزرگ انرژی، به خوبی این واقعیت آگاه است و تهدید به بستن تنگه هرمز را با در نظر گرفتن ملاحظات اقتصادی مطرح می کند. در واقع، این تهدید بیشتر جنبه نمادین دارد و هدف آن، هشدار به طرف های خارجی درباره پیامدهای فشار بیش از حد است، نه اجرای عملی آن.

در سطح بین المللی، تهدید تنگه هرمز همواره با واکنش های متفاوتی مواجه شده است. ایالات متحده به عنوان قدرت نظامی حاضر در منطقه، بارها اعلام کرده که اجازه نخواهد داد این گذرگاه بسته شود و در صورت اقدام ایران، پاسخ قاطع خواهد داد. متحدان آمریکایی از جمله بریتانیا، فرانسه و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، بر اهمیت باز بودن تنگه هرمز تأکید کرده و در برخی موارد، اقدام به

اعزام ناوهای جنگی برای اسکورت نفتکش ها کرده اند. این واکنش ها، نشان دهنده حساسیت بالای جامعه جهانی نسبت به امنیت انرژی و نقش حیاتی تنگه هرمز در اقتصاد جهانی است.

دورنمای بازدارندگی هوشمند ایران در تنگه

ایران توانسته است با استفاده از تهدید تنگه هرمز، نوعی «بازدارندگی هوشمند» ایجاد کند؛ بازدارندگی ای که نه براساس قدرت مطلق نظامی، بلکه بر پایه ترکیبی از توانمندی های نامتقارن، موقعیت جغرافیایی و قدرت دیپلماتیک شکل گرفته است. این بازدارندگی، موجب شده است تا قدرت های بزرگ در مواجهه با ایران، همواره ملاحظات خاصی را در نظر بگیرند و از اتخاذ تصمیمات شتابان زده خودداری کنند. در واقع، تنگه هرمز به ایران امکان داده است تا در برابر فشارهای خارجی، نوعی توازن راهبردی برقرار کند و از موقعیت خود در منطقه دفاع نماید. در سال های اخیر، با گسترش فناوری های نوین نظامی، از جمله پهپادها، شناسایی و تهاجمی، سامانه های موشکی نرفته ن و تجهیزات جنگ الکترونیک، ایران توانسته است قدرت مانور خود در تنگه هرمز را افزایش دهد. این توانمندی ها، به ویژه در قالب رزمایش های مشترک سپاه و ارتش، موجب شده اند تا تهدید به بستن تنگه هرمز، از حالت صرفاً لفظی خارج شده و جنبه عملیاتی پیدا کند. البته ایران همواره تأکید کرده است که این توانمندی ها صرفاً برای دفاع از منافع ملی و مقابله با تجاوز احتمالی طراحی شده اند و قصدی برای آغاز درگیری ندارد.

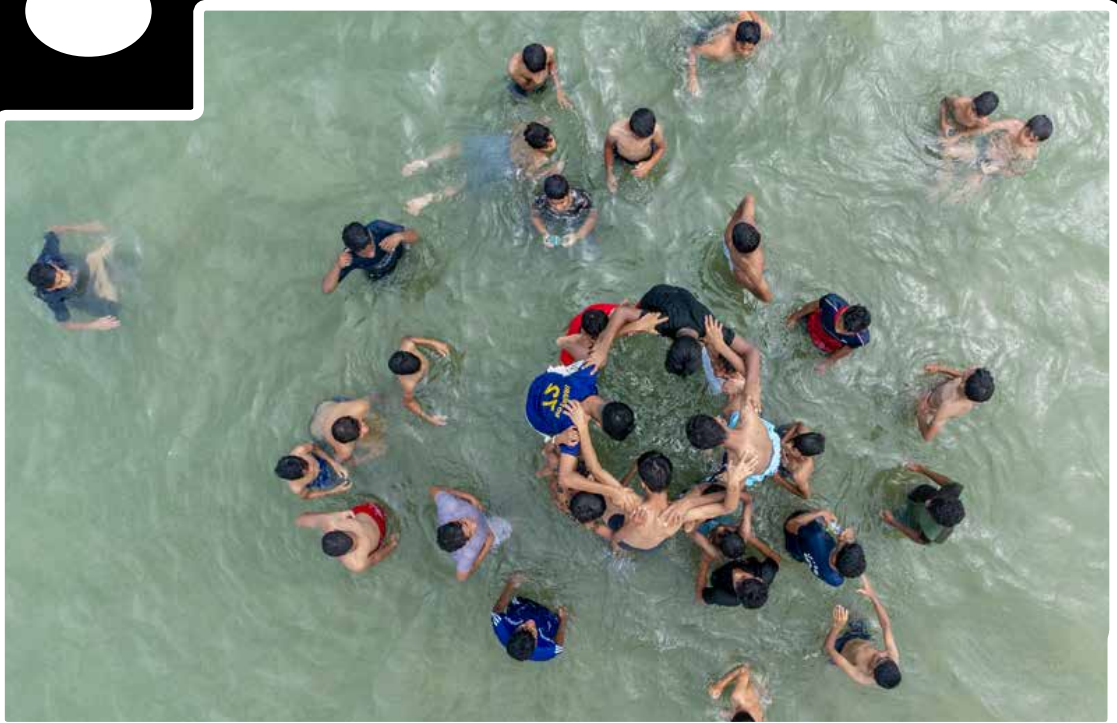
در کنار این تحولات، نقش رسانه ها نیز در شکل دهی به تصویر تهدید تنگه هرمز بسیار مهم بوده است. رسانه های داخلی، معمولاً این تهدید را به عنوان نماد اقتدار ملی و مقاومت در برابر سلطه طلبی غربی معرفی کرده اند، در حالی که رسانه های خارجی، آن را به عنوان عامل بی ثباتی و تهدیدی برای امنیت جهانی قلمداد کرده اند. این تفاوت در روایت ها، نشان دهنده شکاف عمیق در برداشت های ژئوپلیتیکی از نقش ایران در منطقه است و موجب شده است تا تهدید تنگه هرمز، همواره در کانون توجه تحلیل گران و سیاست گذاران باقی بماند.

نتیجه گیری

نهایت می توان گفت که تهدید به بستن تنگه هرمز در چهاردهه گذشته، به یکی از ابزارهای راهبردی ایران برای مدیریت بحران ها، دفاع از منافع ملی و ارسال پیام به جامعه جهانی تبدیل شده است. این تهدید، اگرچه هرگز به طور کامل اجرا نشده، اما توانسته است نقش مهمی در شکل دهی به معادلات منطقه ای و بین المللی ایفا کند. ایران، با استفاده از این ابزار، توانسته است نوعی توازن در برابر فشارهای خارجی ایجاد کند و نشان دهد که در معادلات انرژی جهانی، نمی توان نقش آن را نادیده گرفت. تنگه هرمز، در ظاهر یک مسیر آبی برای عبور نفتکش هاست، اما در واقع صحنه ای برای نمایش قدرت، مقاومت و مذاکره است. ایران تهدیدات نظامی، و فشارهای دیپلماتیک ایستادگی کرده و در معادلات منطقه ای و جهانی نقش آفرینی کند. این نقش آفرینی، نه تنها مبتنی بر توان نظامی، بلکه بر پایه درک عمیق از ژئوپلیتیک، حقوق بین الملل و منافع ملی شکل گرفته است. تهدید به بستن تنگه هرمز، اگرچه هرگز عملی نشده، اما همواره در ذهن تصمیم گیران جهانی به عنوان یک چگونگی یک موقعیت جغرافیایی می تواند به ابزار راهبردی یک کشور تبدیل شود.

ژئوپارک جهانی قشم – جزایر ناز در گذر زمان

قاب دوربین



عکس: اصغر بشارتی

بدون شرح...



فریبا عزیزی - اقتصاد سرآمد